

آغازی بزرگ پایان



سعید مروقی

جشنواره فیلم فجر را با صف‌های طولانی اش به خاطر می‌آوریم. یکی از آن نشانه‌های حسرت روزگار خوش سپری شده و افسوس «چه جشنواره‌ای داشتیم»، از همین خاطره صف‌ها می‌آید. تا سال‌ها این روایت میان علاقه‌مندان سینما پذیرفته شده بود که برای دیدن نسخه کامل فیلم‌ها، باید آنها را در جشنواره تماشا کرد. ضمن اینکه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جشنواره فجر، در کمبود سرگرمی و هیجان و رخداد فرهنگی، یکی از معدود آیین‌های جمعی طبقه متوسط بود؛ سال‌هایی که دیدن فیلم تازه مهر جویی یا کیمیایی در جشنواره یک اتفاق مهم محسوب می‌شد. در دهه ۶۰ و حتی دهه ۷۰ فیلم‌های خارجی حاضر در جشنواره هم با استقبال مواجه می‌شدند. سینما و جشنواره به عنوان آیینی جمعی در همین دوره تثبیت شد؛ جشنواره‌ای که محل کشف مهم‌ترین فیلمسازان نسل انقلاب بود.

مثل کشف ابراهیم حاتمی کیا توسط مردم در جشنواره یازدهم یا «از کرخه تا این» یا ظهور پدیده‌وار «کیمیا»ی درویش در جشنواره سیزدهم. جشنواره فجر تا انتهای دهه ۷۰ و حتی در سال‌هایی از دهه ۸۰، توانست جایگاهش را حفظ کند. آنچه نشانه‌های آشکار سقوط نامیده می‌شود، از دهه ۹۰ مشهود شد.

در سال‌های اخیر با انتشار فهرست فیلم‌های پذیرفته شده در جشنواره، به نظر می‌رسید نیازمند گردآوری اطلاعات درباره فیلمسازانی گمنام هستیم که حتی علاقه‌مندان پیگیر سینمای ایران نمی‌دانستند این تازه نفس‌ها اساساً چه زمانی بخت ساختن فیلم بلند سینمایی یافته‌اند. در این سال‌ها کوشیده شد با شعار بهادادان به جوانان، بدنه سینمای ایران دچار تغییر شود. انبوه فیلمسازان جوان از راه رسیدند و با بودجه‌های کلان، پروژه‌های سفارشی را پیش می‌برند؛ فیلم‌هایی که کمتر کسی مشتاق تماشایش بود. هنر مدیریت سینما در سال‌های اخیر از میان بردن حس کنجکاو عمومی نسبت به جشنواره فیلم فجر بود؛ جشنواره‌ای که در مواردی حتی به استفاده از تمام بضاعت سینمای ایران هم تمایلی نشان نمی‌داد و به مرور از آن رخداد جذاب دهه‌های ۶۰ و ۷۰، به جشنواره‌ای رسیدیم و رغبتی برای تماشا و دنبال کردن بر نمی‌انگیخت؛ جشنواره‌ای که صف برایش نوستالژی و فیلم‌ها و فیلمسازان شاخص برایش حکم کیمیا را پیدا کرد؛ جشنواره‌ای که با صندلی‌های خالی به استقبال سانس فوق‌العاده می‌رفت و تنها در گزارش عملکرد مدیران شکوفا و پویا بود.

جشنواره فیلم فجر برای بازگشت به دوران طلایی‌اش در خیلی چیزها باید تجدیدنظر کند و بیش و پیش از هر چیز در مسیری که سینمای ایران در حال پیمودنش است. فیلم فجر، آغازی بر یک پایان را می‌یابد.



نمایش مستند داستانی «آتش و گلستان» علی‌رویین‌تن در اکران ویژه جشنواره

از آتش و گلستان تا چریک

رسمی نکرده است. علی‌رویین‌تن قبل از «مهربر» «دلشکسته» را هم ساخت؛ فیلمی که جزو کارهای خوب این کارگردان است.

ابراهیم هادی از بنیانگذاران گروه چریکی شهید اندرزگو در جبهه گیلانغرب و ستاره ورزش کشتی کشورمان است؛ هادی معلم جوان ۲۵ ساله در والفجر مقدماتی شروز به همراه بچه‌های گردان کمیل و حنظله در کانال‌های فکه مقاومت کرد اما تسلیم نشد و در ۲۲ بهمن سال ۶۱ بعد از فرستادن بچه‌های باقیمانده به عقب، دیگر کسی او را ندید. فیلم مستند «آتش و گلستان» به موضوع زندگی شهید ابراهیم هادی اختصاص یافته است. رویین‌تن در توضیح بیشتر می‌گوید: «آتش و گلستان» یک مستند داستانی است که ۷ محقق در آن تلاش می‌کنند تا درباره شهید ابراهیم هادی حقایقی را که دریافت و برداشت کرده‌اند،

فهیمة پناه آذر

فیلم «آتش و گلستان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی‌رویین‌تن به‌عنوان دومین فیلم بخش ویژه جشنواره فیلم فجر معرفی شد و این فیلم به گفته کارگردان یک مستند داستانی است که شامل تحقیقات فیلم «چریک» می‌شود که هنوز مجوز ساخت نگرفته است. «مهربر» آخرین فیلم سینمایی است که علی‌رویین‌تن آن را جلوی دوربین برده، او بعد از سال‌ها تصمیم گرفته تا «چریک» را بسازد؛ فیلمی درباره شهید ابراهیم هادی. فیلمی که مانند دیگر فیلم‌های سینمایی پرتره سرداران و قهرمانان جنگ را به تصویر می‌کشد. اما علی‌رویین‌تن در گفت‌وگویی با همشهری عنوان کرده بود که با وجود آنکه پروانه ساخت آماده است هنوز ارشاد اعلام

برای کارگردانی که قصد نوشتن فیلمنامه‌ای بر اساس زندگی این شهید را دارد، ارائه کنند. مستند من «آتش و گلستان» است و درباره این شهید ساخته شده است.

تقریباً از ۶ سال پیش تصمیم داشتم فیلمی با عنوان «چریک» با موضوع زندگی شهید ابراهیم هادی بسازم. از آنجا که روایت‌ها درباره این شهید زیاد بود و هر کس از زاویه نگاه خودش درباره این شهید صحبت می‌کرد، شروع به ثبت تحقیقاتم در قالب تصویر کردم. فیلمنامه به پایان رسید. این پروژه را در دوران پایانی دولت روحانی دست گرفتم.

آن زمان به بنیاد سینمایی فارابی دعوت شدم و گفتند که پروژه سینمایی اقبال لاهوری را دست بگیرم اما من از آنها خواستم که فیلمی درباره شهید ابراهیم هادی بسازم. این فیلم هم مانند ۲ فیلم دیگرم ادای دینی به ساحت ائمه اطهار است.

رخداد روز

محسن رضایی به تماشای «اسفند» نشست

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: تمام حقایق را نمی‌توان در یک فیلم منعکس کرد



محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در سومین روز از چهل و سومین جشنواره فیلم فجر برای تماشای فیلم سینمایی «اسفند» به کارگردانی دانش آقباشاوی به برج میلاد رفت. محسن رضایی پس از تماشای فیلم توضیح داد: «عزیزان زحمت بسیار خوبی برای این فیلم کشیده‌اند؛ هر چند که تمام حقایق را در یک فیلم نمی‌توان منعکس کرد، در مجموع بسیار خوب بود.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، درباره شهید علی‌هاشمی گفت: «علی‌هاشمی یکی از فرماندهان مخلص و شجاع بود و نشان داد که همه اقوام ایرانی، ایران را دوست دارند و نشان داد هیچ قوم ایرانی‌ای حاضر نیست از کشور خود فاصله بگیرد. علی‌هاشمی عربی بود که در مقابل صدام ایستاد و ثابت کرد تمام اقوام ایرانی وطن خود را دوست دارند و به آن عشق می‌ورزند.»